

# کانون وکلای

سال دوازدهم آذر - دی - بهمن - اسفند ماه ۱۳۳۹ شماره ۷۴

دکتر سیروس غضنفری

## علل مجرّمیت

از نقطه نظر علمی هر جرم و عمل ضد اجتماعی ناشی از هر موجود اجتماعی معلول علل مختلفی است.

یکی از هدف‌ها جرم‌شناسی شناختن و تفکیک عوامل مولد جرم است، و منظور اینست که بدانیم چرا بعضی اشخاص مرتکب اعمال خلاف اجتماع که از نقطه نظر حقوق جزا جرم شناخته شده‌اند میشوند.

آیا برای اینست که این اشخاص روحاً و یا جسماً مریضند؟ یا بواسطه اینست که نمیتوانند خود را با محیط اجتماعی مطابقت داده قوانین و مقررات مربوط بان را مراعات کنند؟

وبالاخره دلیل و علت سرشت و طبیعت و اعمال خلاف اجتماعی ایشان چیست؟ برای روشن شدن این مطلب باید علل مجرّمیت را تفکیک نموده و بشناسیم. شناختن و تفکیک علل مجرّمیت تشخیص حالات و موقعیت‌هایی است که شخص را بسوی جنایتکاری کشانده و مستعد ارتکاب جرم مینماید.

این تشخیص موجب میشود که قانونگذار بمنظور جلوگیری از بروز اعمال ضد اجتماعی حالات و موقعیت‌های مستعد سازنده برای جنایتکاری را جرم بشناسد و یا بوسیله اقدامات مخصوص تأمینی که بیشتر جنبه جلوگیری‌کننده دارند تا جنبه تعقیبی، با جنایتکاری مبارزه نماید.

بعبارت دیگر شناختن علل مجرّمیت موجب توسعه مفهوم جرم در داخله چهار چوب محدود قضائی گردیده و بالتیجه جرم از نظر کربینولوژی همان جرم از نظر قضائی شده است.

## علل مجرمیت

### علل مجرمیت فردی و اجتماعی :

علل مجرمیت فردی<sup>۱</sup> عللی هستند که مربوط به شخص مجرمند. و علل اجتماعی<sup>۲</sup> علل وابسته به محیط اجتماعی و فاسیلی که مجرم در آن است میباشند.

منظور این نیست که جرم بالاجبار نتیجه لازم یا علل فردی و یا علل اجتماعی است. علل فردی و اجتماعی هر یک بطور انفراد عمل نمی نمایند، بلکه مجرمیت افراد در نتیجه امتزاج آنها است و این علل با هم مؤثر واقع شده و عمل میکنند.

محیط اجتماعی روی شخصیت فرد و شخصیت فرد بالعکس روی محیط اجتماعی تأثیر دارند، و صرف نظر از جرائم انجام شده وسیله مجانین که غالباً علت فردی منحصر یعنی جنون دارد، اغلب جرائم محصول علل فردی و علل اجتماعی اند.

I علل مجرمیت فردی یعنی علل مربوط به شخصیت و سرشت فرد را میتوان بدو دسته تقسیم کرد :

اول عللی که از بدو طفولیت در شخص موجود است یا به بارت دیگر علل فردی ذاتی و دوم عللی که پس از تولد حادث میشوند که آنها را علل مکتسبه مینامیم.

۱ - علل فردی ذاتی<sup>۳</sup> - از بدو تولد شخص ممکن است دارای خصوصیات باشد که او را مستعد ارتکاب جرم بنماید. این خصوصیات دارای منشاء مختلف اند. یعنی ممکن است یا در نتیجه وراثت<sup>۴</sup> یا شرائط مربوط به حاملگی و زایمان<sup>۵</sup> و یا اختلالات دفاعی موروثی نژادی و یا مربوط به جنس (مرد و زن بودن)<sup>۶</sup> باشد.

#### الف - وراثت.

وراثت اثرات مهمی روی اعمال و کردار اجتماعی شخص دارد. از بدو تولد هر کس نکات قدرت و درعین حال نکات ضعف و همچنین نقائص جسمی و یا دفاعی والدین خویش را بارت میبرد. اگر که مانند لمبروزو<sup>۷</sup> در کتاب مجرمین بالفطره<sup>۸</sup> وراثت را علت حتمی مجرمیت ندانیم، لااقل باید قبول کنیم که هنگامیکه وراثت دوجانبه یعنی از طرف والدین هر دو باشد علت مجرمیت بوده و شخص را مستعد ارتکاب آن مینماید.

برای اثبات این موضوع آزمایش وسیله دو طریقه مختلف بعمل آمده است:

اول طریقه مربوط به مطالعه اولاد و احضار یک فاسیل معین.

دوم مطالعه یک عده معین و بخصوص از مجرمین.

1 - Les causes individuelles

2 - Les causes sociales

3 - Les causes individuelles innées

4 - L'hérédité

5 - Les circonstances de la gestation et de l'accouchement

6 - Les troubles mentaux congénitaux de la race et du sexe

7 - Lombroso (جرم شناس مشهور ایتالیائی)

8 - Les criminal né (زود)

## علل مجرمیت

در مورد طریقه اول یکی از جرم شناسان معروف آمریکا در فامیل معینی Junkes که جدشان در ۱۷۴ مرده بوده است مطالعه کرده و محقق نموده است که دوسوم اولاد این فامیل جانی و یک سوم دیگر فاحشه و بدکاره بوده‌اند.

عالم آلمانی دیگری بنام (Exner) در کتاب خودش نتایج یک بررسی و تحقیق روی ۷۰۹ نفر اولاد یک فامیل را شرح میدهد که از این عده ۷۷ نفر جانی و ۱۴۲ نفر ولگرد و ۲۰۲ نفر بدکاره بوده‌اند.

نیز در فرانسه که بیشتر مطالعه در مورد یک عده مجرمین مخصوص ( مجرمین صغیر و مجرمین بالغ و تکرار کنندگان جرم ) انجام گرفته است بتحقیق رسیده که بیش از  $\frac{2}{3}$  این مجرمین از نسل والدین الکلیک و یا سیفلیتیک و یا مبتلایان به نقص قوای عقلانی بوده‌اند.

### ب - شرایط مربوط به حاملگی و زایمان :

شرایط مربوط به حاملگی و زایمان نیز مانند وراثت اثرات حتمی و غیر قابل انکار روی بچه میگذارد مانند امراض عفونی و یا جراحاتی که مادر در هنگام حاملگی داشته است که از بدو تولد بچه در او مؤثر خواهد بود.

این شرایط ممکن است به بچه صفات و خصوصیات غیر از آنچه که پدر و مادر دارا هستند بدهند و شخصیت طفل را بنحو مؤثر و قطعی تحت تأثیر قرار دهند.

در این خصوص مطالعات سیستماتیک بخصوص روی سرشت و طرز رفتار و قلوبهای حقیقی<sup>(۱)</sup> یعنی آنهائیکه از یک نطفه حاصله از انعقاد یک اسپرماتوزوئید بدنیا آمده‌اند بعمل آمده است و در نتیجه بتحقیق رسیده است که در  $\frac{27}{3}$  درصد از موارد مجرمیت آنها بمانند و مشابه بوده است و فقط در  $\frac{32}{7}$  درصد حالات مجرمیتشان با هم اختلاف داشته است.

این نه تنها توافقی و همانندی طرز ادراک و تفکر آنها است که علت توافقی و تشابه مجرمیت ایشان است بلکه شاید تشابه محیطی که در آن پرورش یافته‌اند و نیز تشابه طرز تربیت و طرز زندگی در زمان طفولیت یا بعبارت اخری توافقی و همانندی خصوصیات مكتسبه خارجی است که موجب و علت همانندی مجرمیت ایشان گردیده است.

### ج - اختلالات دماغی

نیز جرم شناسان اختلالات روحی موروثی را یکی از علل فردی ذاتی مجرمیت بشمار میآورند چنانکه عده زیادی از دزدان و جنایتکاران جنسی<sup>(۲)</sup> را کسانی که ضعف و نقصان قوای عقلانی دارند تشکیل میدهند.

### د - نژاد و جنس

و بالاخره نژاد و جنس یعنی مؤنث یا مذکر بودن را نیز میتوان یکی از علل ذاتی مستعد سازنده برای ارتکاب جرم دانست. تأثیرات نژاد مخصوصاً بیشتر در آمریکا

1- Les jumeaux univitellins

2- Les jumeaux bivitellins

3- Les délinquants sexuels

## علل مجرمیت

مورد مطالعه قرار گرفته و بررسی‌هایی که در مورد مجرمیت سیاهان و سفید پوستان و دسته‌های مهاجرین نژادهای مختلف مطلب فوق را ثابت نموده است.

همچنین مجرمیت بستگی به جنس (۱) مجرم هم دارد و بطور کلی مجرمیت زنها کمتر از مردان اهمیت دارد.

زنها غالباً مرتکب جرائمی مانند سقط جنین و بچه کشی، مسموم نمودن - خیانت در امانت، و دزدی در مغازه‌ها میشوند. ولی با وجود این تعداد مجرمیت زنها از مردان براتب کمتر است.

مثلاً در فرانسه در سال ۱۹۵۱ تنها ۱۳۹ نفر زن در مقابل ۱۵۵۲ نفر مرد در دادگاه جنائی محاکمه شده‌اند که تقریباً یک دهم عده مردان مجرم است. نیز در همان سال در دادگاه جنحه فقط ۱۶۲۸ نفر زن در مقابل ۲۰۱۲۲۲ نفر مرد محاکمه گردیده‌اند که تقریباً یک چهارم تعداد مردان مجرم است.

جرم‌شناسان این اختلاف بین مجرمیت زنان و مردان را در نتیجه اختلاف پیولوژیکی و ساختمان جسمی آنها میدانند. ولی این دلیل کافی و قاطعی بنظر نمی‌رسد زیرا در اینصورت باید همیشه و در همه موارد این میزان و تناسب بین مجرمیت مردان و زنان متناسب و بی تغییر بماند و حال آنکه مجرمیت زنان بر حسب مملکت و زمان و علی‌الخصوص در مواقع جنگ تغییر میکند.

مثلاً در ممالکی که زنها مقید بوده و موقعیت اجتماعیشان طوری است که بیشتر در منزل زندگی میکنند و کمتر مانند مردان زندگی خارج دارند نسبت جرائم مرتکبه وسیله زنان کمتر است و نیز در مواقع جنگ این مجرمیت رو پتزايد می‌رود.

با اینوصف هنگامیکه زن در منزل دور از تشنجات سیاسی و اداری و یا تجاری زندگی می‌کند موقعیت ارتکاب جرم برای او کمتر دست می‌دهد ولی هنگامیکه در خارج از منزل کار میکند و یا وارد زندگی سیاسی میشود خلاصه اینکه موقعیکه رل اجتماعیش زیاد میشود جرائم ارتکابی وسیله ایشان نیز زیاد میشود.

## ۴ - علل فردی مکتسبه :

بنا بر آنچه که گذشت نتیجه این میشود که شخصیت هر کس از بدو طفولیت مشخص و معین است ولی با اینوصف باید اذعان نمود که این شخصیت بطور قطع و حتم معین و مشخص نیست بلکه ممکن است بواسطه اثر عوامل و اکتساب عناصر جدید یعنی تحت تأثیر علل فردی مکتسبه (۲) تغییر یابد و این تغییر نیز بطور ارادی حاصل میشود یا بطور غیر ارادی.

الف - مابین علل فردی مکتسبه غیر ارادی در وحله اول باید سن را ذکر نمود. اطفال بندرت مرتکب جرم میشوند چنانکه در فرانسه فقط ۱۳۵۰۴ نفر در ۱۹۵۴ محاکمه شده‌اند ولی مجرمیت اطفال پس از سنین تحصیلی رو باز زیاد میگردد و از ۱۸ تا ۲۵

1 - Sexe

2 - Les causes individuelles acquises

## علل مجرمیت

سالگی به نقطه شدت خود میرسد و پس از ۳۵ یا ۴۰ سالگی قوس نزولی را می‌پیماید و مجرمیت نزد پیران بسیار نادر است.

دوم امراض ارگانیک و اساسی و مهم‌اند که موجب ضعف ساختمان بدن و کمی مقاومت در مقابل تحریک بارتکاب جرم می‌گردند مانند سیفلیس و سل و بخصوص امراض دماغی و عصبی که اختلالاتی نظیر و بمانند اختلالات فکری ذاتی که از بدو تولد موجودند ایجاد نموده و بدون حدوث تغییر در اراده شخص موجب تغییر شخصیت او میشوند.

ب- ولی تنها علل مکتسبه غیر ارادی نیست که شخص را بجنایتکاری میکشاند بلکه ممکن است شخص بواسطه خصوصیات مکتسبه ارادی نیز بطرف ارتکاب جرم سوق یابد مثلاً جای شبهه‌ای در اثرات الکل در ازدیاد اعمال مجرمانه نیست.

## II علل اجتماعی یا عوامل خارجی مولد جرم

این عوامل مربوط به محیطند که شخص قبل از اینکه مرتکب جرم شود در آن می‌زیسته است چرا که علل اجتماعی روی شخصیت شخص اثر نموده و آنرا دگرگون می‌سازد.

برای تعیین این عوامل باید اثرات محیط فیزیکی و یا طبیعی محیط فامیلی - محیط اقتصادی و بالاخره محیط اجتماعی بمعنی احضار بررسی کرد.

### ۱ - محیط طبیعی (۱)

در قرن نوزدهم محققین و آمارگران و جرم‌شناسان معروف مانند «Qaételet» بلژیکی (۱۷۹۸ - ۱۸۷۴) و «Joly» و «Guarry» فرانسوی اثرات طبیعی را روی مجرمیت بررسی کرده‌اند و این موضوع محقق شده است که طریقه زندگی و طرز فکر عمومی مردمان شهری با آنهایی که در کوهستان و دهات زندگی می‌کنند یکی نیست و همینطور است در مورد ساکنین نقاط ساحلی و نزدیک بدریا با آنها که دور از این نقاط و در قسمت وسطی مملکت زندگی مینمایند. بالتیجه نوع و فرم و چگونگی مجرمیت با اختلاف موقعیت جغرافیائی تغییر می‌نماید. (۲)

الف - آب و هوا و فصول نیز بنوبه خود در مجرمیت تأثیر دارند مثلاً در فصول سرد بیشتر جرائم بر علیه اموال صورت می‌گیرد مانند دزدی و کلاهبرداری، در حالیکه در فصول گرم غالباً جرائم علیه شخص مانند ضرب و جرح و جرائم منافی عفت ارتکاب می‌گردد و نیز جرائم قتل غیر عمد و تصادفات ماشین در مواقع تعطیل رو بتزاید می‌گذارد و نیز سقط جنین غالباً در بهار و تابستان انجام می‌شود. نیز بتحقیق رسیده است که مجرمیت بر حسب

1 - « Le milieu physique »

2 - برای بررسی در این موضوع مراجعه شود به کتاب « Essai dae geographie criminelle »

موسوم به « Cannat » و نیز کتاب « Pinatel » موسوم به « Les conditions geographiques du comportement »

« antisocial »

## علل مجرمیت

روزهای فصول تیز تغییر می‌کند خصوصاً مجرمیت حاصله از الکل که در هنگام بیکاری و روزهای پرداخت حقوق بیشتر است تا در مواقع کار.

ب - از طرفی دیگر مجرمیت بطور نسبی در شهرها بواسطه تفاوت و اختلاف شرایط زندگی زیادتر از قصبات بوده و آن نیز نوعاً اختلاف دارد مثلاً در شهرها جرائمی مختلف مانند جرائم بر علیه اموال کلاهبرداری دزدی و هتک ناموس و جرائم علیه اخلاق حسنه بوقوع می‌پیوندد.

در حالیکه در دهات آتش زدن خرمن ضربت و جرح و مسموم ساختن و نیز در نقاط عشائری غالباً دزدی و آدم کشی با اسلحه و غارت ارتکاب می‌گردد! عده مجرمین نیز در شهرها بیشتر از دهات و قصبات که در آن اشخاص همدیگر را بهتر شناخته و از یکدیگر مراقبت مینمایند می‌باشد.

وسائل بکار برده شده و آلات جرم نیز در دهات اختلاف با شهرها دارد مثلاً در مورد جرائم بر علیه متولدین در دهات بچه کشی بیشتر معمول است و در شهرها سقط جنین.

ج - همچنین در شهرها نوع و تعداد جرائم ارتكابی بتفاوت محله‌های مختلف تغییر میکند مثلاً در محلات فقیر نشین که مردم در کلبه‌های محقر و شرایط بد و نامساعد زندگی می‌کنند جرائم ارتكابی بیشتر از محلات دیگر است. ولی این موضوع مبین این نیست که در محله‌های ثروتمند شهر بهیچوجه جرمی اتفاق نمی‌افتد بلکه بقول جرم شناس معروف Soutlerhand مجرمیت در این نوع مکانها موجود هست منتهی بایقه سفید و قیافه حق بجانب. (۱)

## ۲ - محیط فامیلی

محیط فامیلی یعنی جائی که شخص از بدو طفولیت در آن جای دارد یا به عبارت دیگر (فامیل اصلی) و یا محیطی که خودش آنرا وسیله ازدواج ایجاد کرده (کانون شخصی) نیز بنوبه خود در شخصیت و رفتار شخص اثراتی دارند.

## الف - فامیل اصلی (۲)

شخصیت هر کسی از زمان کودکی در کانون و محیط خانوادگی نزع گرفته و ایجاد می‌گردد بر حسب محیط خانوادگی که او در آن تربیت شده و پرورش یافته ممکن است که شخص بطرف جنایتکاری کشیده شود و بالعکس از آن دور گردد. مثلاً طرز تربیت و اعتقادات مذهبی و شرایط زندگی ممکن است گاهی علل مجرمیت گردد. در اثر بررسی‌هایی که شده است معلوم و محقق گردیده است که ۷۰ تا ۹۰ درصد از اطفال مجرم از فامیل‌هایی هستند که در آن در اثر طلاق و یا علل دیگر تفرقه حاصل گردیده است.

تضاد و اختلاف پدر و مادر با یکدیگر و یا پدر و مادر و یا یکی از آنها و طفل و نیز سختگیری زیاد از حد نسبت به بچه و عدم تفهیم و تفاهم و درک نکردن او و یا

1 - « La criminalité en col blanc »

2 - « La famille d'origine »



## علل مجرمیت

دل‌بستگی خارج از اندازه بچه ب‌مادر و نازپرورده کردن طفل از علل اصلی مجرمیت در زمان کبر است.

عدم محبت خانوادگی که طفل در بچگی از آن رنج می‌برد، در او ایجاد بغض و تساوت و حسادت و عدم عاطفه و محبت مینمایند که ممکن است او را مجرمی خطرناک و یا بالعاده بنماید.

این موضوع محقق گردیده است که فامیلهائی که برایشان تعلیم و تربیت طفل و مراقبت و دقت و رفتار و کردار و پرورش او میسر نبوده و در شرائط مشکلی زندگی میکنند، (مثلاً پدر و مادر و طفل در یک‌اطاق زندگی مینمایند) محیط خوبی برای مجرمیت و بخصوص مجرمیت جنسیند.

در فرائسه تحقیقات انجام شده روی ۴۷۰ مجرم جنسی نشان داده است که  $\frac{2}{3}$  آنها از فامیلهائی بوده که پدر و مادر بیشتر از پنج طفل داشته و بالنتیجه تهیه و مسائل تعلیم و تربیت برایشان مشکل بوده است.

### ب - قانون شخصی (۱)

همچنین محیطی که شخص برای خود بواسطه ازدواج ایجاد میکند نیز ممکن است تأثیر در اصلاح اخلاق و رفتار و روحیه او داشته و یا بالعکس موجب و علت سوق او بطرف جنایتکاری و اعمال مجرمانه گردد.

این نکته در آمریکا ب‌تحقیق رسیده است که جرائم مهم و یا جرائم ارتكابی ب‌عادت در نزد اشخاص مجرد بیشتر است تا در نزد اشخاص متأهل و عیناً همین موضوع در فرائسه هم محقق گردیده است بدین ترتیب که از ۲۴۰ نفر جنایتکار که در زندان Mulhouse فرائسه امتحان شده‌اند بیشتر از نصف آنها اشخاص مجرد بوده‌اند و ۳۴ درصد را فقط اشخاص متأهل تشکیل میداده‌اند.

ولی در عین حال که ازدواج موجب استواری و متانت رفتار و کردار و اصلاح اخلاق می‌گردد بالعکس تضاد و اختلاف مابین زن و شوهر ممکن است منجر به ارتكاب جرم مستقیم مانند قتل و زنا شود (مثلاً یکی از ایشان دیگری را بکشد و یا کسی را بر او برگزیند و دوستی بگیرد).

و یا اینکه تضاد و اختلاف بین ایشان را به مجرمیت غیر مستقیم مانند ترك فامیل و عدم انفاق و یا الکلیسم و یا معاشرت با محیط‌های نامناسب دیگر بکشاند.

وجود بچه نیز بتوبه خود تأثیر مهمی در قوام و دوام و استحکام فامیل دارد مشروط بر آنکه شرائط لازم برای زندگی از قبیل خانه و مسکن و درآمد کافی موجود باشند که بالنتیجه طفل بنحوشایسته‌ای تربیت گردد و تصویری در اینکار بواسطه عدم استطاعت و اشکالات روی ندهد، چه این موضوع دیده شده است که زنهای شوهر دار در اثر کثرت بچه و عدم وسائل تربیتی و معاش مرتکب سقط جنین شده‌اند.

### ۳. محیط اقتصادی

محیط اقتصادی نیز بنوبه خود اثراتی روی اهمیت جرم و فرم مجرمیت دارد که ذیلاً بشرح آنها میپردازیم :

#### الف - موقعیت کلی اقتصادی :

موقعیت کلی اقتصادی هر شخص در هر صورت ( چه در صورت مضیقه و چه در حالت رفاه ) بدون اثر روی مجرمیت نیست.

اول - دوران فعالیت‌های اقتصادی مولد ثروت نه تنها ممکن است بوسیله تولید و یا کار انجام شود بلکه نیز امکان دارد که در عین حال وسائل مجرمانه و متقلبانه ( کلاهبرداری - سفته بازی ) نیز در آن بکار رود.

هر چه که زندگی رو به تجمل و مدرنیسم می‌رود و اشیاء لوکس مانند رادیو و تلویزیون اتومبیل بازار می‌آیند و یا محل‌های تفریح مانند سینما و کاباره‌ها و غیره افتتاح می‌گردند ، احساس احتیاج و نیاز باین قبیل اشیاء نیز در مردم بیشتر می‌شود و هوس دارا شدن آنها افزون می‌گردد و شخص کوشش مینماید که بهر قیمت و کیفیت که بشود از آنها بدست آورد.

دوم - دوران بحران اقتصادی و رکود بیشتر از دوران فعالیت اقتصادی موجب ازدیاد مجرمیت اجتماعی می‌گردد چنانکه تزیاید بیکاری موجب فقر و بالنتیجه افزایش جرم ولگردی و گدائی و دزدی خصوصاً مجرمیت آنهایی که مستعد برای ارتکاب این قبیل جرائمند میشود.

نیز مشکلات اقتصادی که گاهی موجب جنگ و بحرانهای اجتماعی می‌گردد بطور محسوس موجب تزیاید مجرمیت بخصوص نزد زنان و بچه‌ها و مجرمین بعبادت می‌گردد.

بعضی مواد غذایی موجب ازدیاد دزدی و جرائم بازار سیاه میشود بطوریکه آمار نشان میدهد در طی جنگ دوم جهانی در فرانسه تعداد دزدی بالا رفته در حالیکه جرائم دیگر مانند قتل و ضرب و جرح و غیره بطور قابل ملاحظه‌ای کم گردیده است.

#### ب - فعالیت اقتصادی شخصی -

نه تنها آنچنانکه فوقاً مذکور افتاد موقعیت کلی اقتصادی روی رفتار و خصوصیات اخلاقی شخص تأثیر دارد بلکه شغل و فعالیت‌های اقتصادی شخصی نیز همین اثر را حائز میباشند.

شغل و خصوصاً شرائط فعالیت شغلی شخص بواسطه اثراتی که روی حالت مزاجی و فکری شخص میگذارد ممکن است در او اختلالاتی ایجاد نماید که او را بسوی مجرمیت سوق دهد . از طرفی دیگر شغل بر حسب موقعیت اقتصادی شخص ( رفاه مادی - فقر و بیکاری - منابع درآمد ) و وقفه‌ای که بواسطه بیکاری و غیره در این فعالیت رخ دهد ممکن است منشاء یا موجب اعمال مجرمانه گردند.

نوع فعالیت اقتصادی نیز ممکن است موجب ایجاد موقعیت مخصوص برای انجام جرم گردد.



## علل مجرمیت

مثلاً صندوقدار و حسابدار بیشتر موقعیت برای دزدی و اختلاس دارند تا یک دهقان ساده در دهات و یا یک کارمند ولی نباید از نظر دور داشت که اثرات مولد جرم محیط روی شخص ممکن است با تأثیر سوء مجالست اشخاصی که با او همکارند جمع و اضافه گردد و او را بسوی مجرمیت برد و این مسئله اثرات محیط اجتماعی است که بی‌حسب در آن می‌پردازیم.

### ۴ - محیط اجتماعی بمعنی اخص<sup>۱</sup>.

انسان موجودی اجتماعی است و بالنتیجه تنها نمانده و در محیطی خواه محیطی که بر او تحمیل شده<sup>۲</sup> و یا محیطی که خودش انتخاب کرده زندگی میکند.<sup>۳</sup>

### الف - محیط اجتماعی تحمیل شده.

۱ - هر کسی در عین بودن در محیط فامیلی (که البته خودش آنرا انتخاب نکرده) در محیط آموزشی هم زندگی میکند، وجود رفقا و دوستان مدرسه و خارج از آن اثرات مهمی در بوجود آمدن شخصیت او دارند.

بطوریکه بررسیهایی که در این پاره در فرانسه در مرکز مطالعات « Fresnes » نشان داده است از اوت ۱۹۵۰ تا نوامبر ۱۹۵۳ از ۲۰۰۵ نفر مجرم ۱۳ درصد بی‌سواد بوده‌اند در حالیکه نسبت بی‌سوادان در فرانسه ۳/۴ درصد کل جمعیت کشور است. بنا بر این محقق می‌گردد که آموزش و تعلیم و تربیت نتایج درخشانی از نظر ایجاد و بوجود آوردن شخصیت شخص دارند.

چه بوسیله آموزش است که مفهوم خوب از بد باز شناخته میشود و بدینوسیله راه زندگی اجتماعی آموخته میگردد.

ولی بعکس عدم تربیت و آموزش و شکست در امتحانات خصوصاً معاشرین ناباب و نااهل در مدرسه اسباب مجرمیت در نزد اطفالند.

۲ - بطور کلی پس از اتمام و ترک محیط تحصیلی هر فرد خود را در میان محیط کار مییابد که بنوبه خود او را تحت تأثیر قرار میدهد (مثلاً برابطاتش - موفقیت و یا عدم آن در شغل و کار) و در اخلاق و رفتار و روحیه او مؤثر است.

ب - اثرات قطعی و غیر قابل انکار محیط انتخابی یعنی محیطی را که شخص برای خودش انتخاب کرده است نباید از نظر دور داشت این محیط تشکیل میشود از دوستان و رفقای که شخص با ایشان بطور مرتب معاشرت میکند که ممکن است از اشخاص صالح و متقی و با شرافت باشند و یا بالعکس از اشخاص شریر و جانی و دزدان حرفه‌ای و کلاهبرداران باشند.

این محیط انتخابی همچنین شامل دسته‌ها و مجامع سیاسی و یا آموزشی و یا ورزشی که شخص ممکن است در آنها عضویت داشته باشد نیز میباشد.

1 - Le milieu social proprement dit.

2 - Le milieu social imposé

3 - Le milieu choisi

## علل مجرمیت

بالاخره مشغولیات و آنچه که شخص اوقات بیکاری را بآن مصروف میدارد مثلاً رفتن بکافه و قمارخانه و یا الکلیسم و نمایشات و کتابهائی که میخواند و فیلم‌های جنائی و مسابقات مهیج مانند بوکس و کشتی و امثال اینها نیز محیط انتخابی را تشکیل میدهند.

ازلحاظ جرم‌شناسی شناختن این محیط انتخابی مفید فائده است زیرا که موجب شناختن و پی بردن به اعمال و تمایلات شخص میگردد و این آنچیزی است که موجب شناخته شدن شخصیت شخص میگردد.

از طرفی دیگر این محیط ممکن است بواسطه اثراتی که روی شخص دارد علت و مولد اجتماعی مجرمیت او گردد.

حال چنانچه بعوامل و علل مولد جرم که فوقاً تشریح گردید، الکل را که غالباً بطور مستقیم موجب بروز اختلالات مغزی و جسمی گردیده و علت ارتکاب جرم میشود. (چنانکه در فرانسه در ۱۹۵۱ از ۱۲۷۲ جنایت تعداد ۱۱۰ تای آنها در نتیجه اثرات الکل بوقوع پیوسته است) همچنین فحشاء را که در انتشار و سرایت امراض مقاربتی (مانند سفلیس که نتایج وخیمی از نظر خود شخص و نیز اولاد او دارد) و از عوامل مولد جرم است بر آن بیفزائیم، تا بلو نسبتاً کاملی از علل مختلف مجرمیت بدست میآید.

در پایان بحث باید این نکته را نیز متذکر گردیم که اعمال مجرمانه غالباً در اثر استزاج و تجمع علل مولد جرم که معاً مؤثر واقع میگردند، اتفاق میافتند و بدین لحاظ است که غالباً عللی مانند الکلیسم و جدائی و تجزیه فامیل، نقصان و کمی عقل و اختلالات فکری و اخلاقی در نزد مجرمین یافت میگردند و با هم وجود دارند!

پس بنا بر آنچه که گذشت غالباً اعمال مجرمانه و خلاف قانون را که از مردم سرمیزند علل و موجباتی است که باید در شناسائی و تشخیص و سپس رفع آنها کوشید زیرا که رفع علل مجرمیت هماناً جلوگیری از آن و کاستن جرم است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی